

قسمت چهارم

مادیات تاریخی تاریخ از نقطه نظر مادی

(۷)

در اخیر قسمت سوم مباحثی که تحت عنوان (اصول نگارش تاریخ چراغ تغییر کرده بود؟) نامی هم از مادیت تاریخی برده و علاوه شده بود که بحث درین موضوع محتاج مبحث علجیده میباشد، چون بحث در موضوع مادیت تاریخی از یک طرف ما را از نظر حقیقی ما که اصول تاریخ نگاری امروز است دور میکند و از طرف دیگر مباحث ما زیاده تر از مضمون تاریخ مسئله اقتصاد اجتماعی را در بر میگیرد لهذا بواسطه اینکه سکنه در بحث مسلسل تاریخ وارد نشود با بحث مختصری از این زمینه عبور کرده موضوع اصلی را تعقیب میکنیم.

طرفداران موسسین مادیت تاریخ عقیده دارند که تمام ادوار تکامل تاریخی در تحت تاثیر حوائج اقتصادی انسانها صورت گرفته است این اشخاص که سر دسته آنها در بحث گذشته نشان داده شد میگویند اگر در خلال اوضاع تاریخ و تحولاتی که در حیات انسانها وارد شده دخالتی از فکر دیده شود و دلیلی بر عقیده مورخین افستکاری *de liste* کرد در آن صورت فکر را بجز آله در این زمینه اعتبار دیگری نباید داد زیرا غایب همان مسایل اقتصادی است و هر چیزی که در راه وصول باین آرزو کنار کند آلتی میباشد برای پیش رفت

آن (۱) کسیکه معده دارد و معدّه او هر روزه تقاضای طعام و آب و هر گونه ماکولات لذیذ را مینماید نمیتواند ازین حقیقت مسلم «قوی ترین و بارزترین نظا هرات شخصیه و اجتماعی برای رفع گرسنگی و سد جوع و بالنتیجه تهیه وسایل زندگی است» انکار بنماید اگر احیاناً تصدیق کرده شود که فکر هم در ذات خود يك حاصل دیگری برای حصول و بروی کار آوردن نظا هرات شخصیه و اجتماعی دانسته شود نمیتواند در این موضوع یعنی حیات انسان ها و تکون تاریخ آن ها رولی مثل و نظیر عوامل اقتصادی بازی کند بهر حال شبهه نیست همان اشخاصی که خواه در مسایل تاریخ و خواه در امور سایر اجتماعات مانیر بالیزم را رهبر خود قرار داده اند به نسبت اشخاصیکه در معضلات امور فوق از آئیزم کار میگیرند به آن اتکاء دارند که مگر مرکب خبط و خطا شده گول زمانه را نمی خورند (۲) طوری که در فوق نوشته شد اگر ما خواسته باشیم از تفرعات موضوع که بحث را در اقتصاد اجتماعی میکشاند منصرف شده نکات عمومی و برجسته این فلسفه یافن تاریخ را بنویسیم مجبوریم درین زمینه به تحقیقات و تتبعات دکتور «ژ - کونراد» مولف تاریخ اقتصاد که انتقاد خلص و پر معنی شاکم *«بله ملاحظه کنی که تاریخ اقتصاد یعنی از طرف خود ضم نموده است اتکاء کنیم .*

رتال جامع علوم انسانی

دکتور «ژ - کونراد» که درین باره در رای اطلاعات عمیقی است نکات اساسیه تاریخ مادی را چنین تلخیص مینماید طرز استحصال شرائط مادی حیاتی و اصل زندگی گمانی اجتماعی «سیاسی» منموی و ... انسان ها را بصورت وضوح تعین مینماید و بنیه اقتصادی هر دوره يك جمعیت چنان اساسی را بر روی کار می آورد که تمام مناسبات حقوقی و سیاسی سوبه عرفانی و فلسفی و بالاخره تمام عناصر تاریخی آن دوره از روی اساس مذکور قابل ایضاح و تفسیر میباشند ولی این اساس اقتصادی همیشه و در همه جا واحد

(۱) صفحه ۱۶۳ کتاب منطق نظر به مبشه.

(۲) صفحه ۱۲۰ سال پنجم شماره ۱۱۱ مجله سراط المستقیم منطبقه استانبول.

نبوده پیوسته دستخوش تغییر و تبدیل است و این تغییرات و تبدلاتیکه در اساس اقتصادیات وارد میشود يك مسئله ارادی نبوده ما فوق اختیار بشر است .
 بروی همین نظریه طرفداران تاریخ مادی چنین سفارش میکنند: باید قانون تکامل را که از ابتدای تاریخ بشریت تا کنون در حیات جوامع حکمفرمایی دارد دریافت نموده باستناد آن وسیله جدیدی برای ترقی و تکامل مشروع اجتماعات آتی بشر جستجو کرد و (۱)

طوری که فلسفه نسبی آینشتاین اثبات نموده تمام افکار و نظر یاتیکه زاده دماغ های نو اینغ فکر و فلسفه بوده يك مدت کم یا زیادی بر بشریت حاکمیت داشته است از طرف يك یا چند نفر فلاسفه و متفکرین دیگر طوری معروض انتقاد و حمله قرار داده میشود که بیکلی از یاد می آید این فکر (مادیت تاریخ) هم چون زاده دماغ متفکری بوده باستناد وقایع و حوادث با اصول سوپرکتیف (عندی) بر روی کار آمده بود لہذا ناموس تکامل آن را نیز در معرض انتقادات شدید منتقدین قرار داده است چه امروز اکثری از علما و فلاسفه مخصوصاً طرفداران طریقه اندیویدیو آلیزم (فلسفه فردیت) بایک احساسات پر حرارت و شدیدى باین نظریه حمله میکنند مثلاً گوپیتا و لوبون که یکی از فلاسفه زبر دست مدرسه مذکور است در اکثر از آثار خود بالخصوص در کتاب فلسفه تاریخ باین نظریه و طرفداران آن مخالف شدیدی دارند زیرا گوستا و لوبون میگوید پهلوانانیکه تاریخ را بوجود می آورند و بر امور دنیا احاطه دارند عبارت از اشخاصی اند که با آمال و تمنییات جامعه در آن ها تجلی کرده است (نوابغ سیاسی و زمام داران) و با رجالی میباشند که در اثر اختراعات خویش تاریخ را راز پرور و می کنند. (۲) اگر مطالعه در بحث اصولیات منطق بعمل آمده قسمت راجع به تاریخ مورد مذاقه قرار داده شود می بینیم از

(۱) صفحه ۱۲۴ تاریخ اقتصاد تألیف دکاتور ژ - کونراد

(۲) نوامیس روحیه ملل روح الاقوام ، تاریخ فلسفه مولفه گستا و لوبون .

قدیمترین ادوار تاریخی باینطرف هر عامل زاده یک فکری بوده و بالنتیجه منجر به تکوین تاریخ و تغییر شرائط زنده گانی شده است (۱) بالاخره میتوان مدعی شد که نظریه تاریخ مادی را مؤلفی موسوم به شامله در کتاب مؤلفه خود که تحت عنوان (اقتصاد و حقوق) نوشته بود طوری انتقاد نموده که کاملاً بطلان آن را اثبات کرده است (۲) تا جائیکه از مطالعه تاریخ مستفاد میشود نظریه مادیت تاریخی نه چنین است که ما تر یا است ها ادعا میکنند و نه چنان است که کاملاً غلط بوده در تاریخ دخالتی نداشته باشد زیرا اگر در تاریخ بشریت مطالعات عمیقی بعمل آمده و از بطون این کتاب های ضخیم که بنام تاریخ یاد میشود غیر از تظاهرات مسطحی که عبارت از زدو خورد ها جنگ ها، های متوالی و لا ینقطعی است استلذاذ دیگری نموده شود احساس میشود که در ماورای تمام آن ها حقیقت دیگری خوابیده است. میگویند مبدا تحقیق و انتقاد مدنیت یونان است بلی مدنیت یونان که در تمام شئون حیاتی پیش قدم و پیش آهنگ تمام دنیا است محصول تفکرات عمیق حکما و فلاسفه آن میباشد نه اقتصاد یونان زیرا هر قدر در مدنیت یونان مطالعه نموده شود بجز دو سه حادثه که (آنهم بصورت تالی و بی اهمیتی از ناحیه مسایل اقتصادی ظهور نموده دیگر عاملی از اقتصادیات وجود ندارد همه ها آن را دلیلی برای مزیت و رجحان معده بر فکر بدانیم.

باز وقتی انسان وارد روما میشود و مدنیت زیبای روم را از جنبه انتقاد مطالعه میکند می بیند در مدنیت آن هم تاثیر علما و فلاسفه بارز تراست بر اثرات عوامل اقتصادی مذکور زیرا در مدنیت روما چندان توجهی بر اقتصادیات نموده نمیشود و چیزی سکه موجودیت روما را تشکیل داده بود.

(۱) صفحه ۱۶۳ کتاب منطق مؤلفه آغا اوغلو نرز.

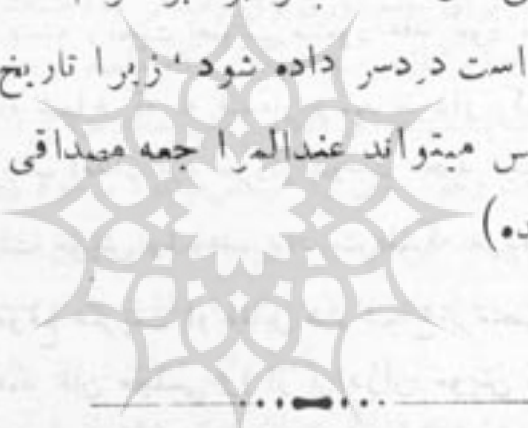
(۲) صفحه ۱۲۸ کتاب تاریخ اقتصاد مؤلفه دکتورز - کونراد.

روح عسکری و ذوق فتوحات آن ملت سلحشور بود (۱)

بازوقتی روم منقرض میشود می بینیم انقراض روم زیاده تر از امور و معاملات مادی مستند به ضعف و فتور اخلاقی و فساد قوانین آن است که این خود در ذات خودش مولود عوامل اقتصادی نبوده زاده مفاسد و شرور است که انکسار آن به روحیات و معنویات میباشد (۲) اگر قدری نزدیکتر آمده زمینۀ تبع خود را به ادوار مرفقی تر و مشعشع تر انسانها امتداد بدهیم می بینیم نویسندگان سیاسی و اجتماعی از قبیل مونتسکیو ها و ولترها و دیدروها و روسوها و بالاخره نوابغ عملی مثل میرابو ها ، دانتون ها ، دمولن ها ، روبسپیرها ، که دسته اول زمینۀ تحول دنیا را تهیه و دسته دوم آن را انجام دادند اشخاصی بودند که ایده آل اجتماعی ، سیاسی اخلاقی آن ها غالب تر بود بر مرام اقتصادی ایشان (۳)

زیاده ازین چه لازم است در دسر داده شود ، زیرا تاریخ این گونه قضایا به کثرت در بردارد و هر کس میتواند عندالمرآجه مصداقی برای این مدعیات دریابد . (باقی در آینده)

۴. قدیرتره کی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

- (۱) کتاب تاریخ اقتصاد مؤلفه دوکتور ژ. کشراد .
- (۲) جلد اول کتاب روح القوانین مؤلفه مونتسکیو ترجمه حسین افندی چایی استامبول - ۳ - جلد ۳ کتاب تاریخ مدنیت مؤلفه سه ینوس .
- (۱) صفحه ۱۲۸ جلد اول کتاب اجتماعیات تألیف مسیو یونافوس و نجم الدین صادق